یادداشت

مسابقات لیگ و به‌هم‌زدن بازی حریف

ادامه از صفحه اول

اما کلیت ماجرا چیست و به کدام سمت می‌رود؟

سال‌ها پیش برای تماشای مسابقه فوتبال به ورزشگاهی رفته بودم که دو زمین بازی کنار هم داشت، طوری که اگر در قسمتی از سکوی تماشاگران می‌نشستی، می‌توانستی هر دو بازی را که در این دو زمین انجام می‌شد و به یک دوره بازی و مربوط به یکدیگر بودند، تماشا کنی؛ دو بازی جدا از هم که نتیجه‌اش نهایتا بر هر دو مؤثر بود. احتمالا شما نیز کم‌وبیش مشابه چنین وضعیتی را در مواردی متفاوت مشاهده کرده‌اید؛ اتفاقاتی که در عین آنکه با هم پیوسته‌اند، اما جدای از هم و در دو زمینه مختلف رخ می‌دهند. آنچه امروز در جنگ بین آمریکا-اسرائیل با ایران در حال وقوع است، از جهاتی بی‌شباهت به دو بازی در دو زمین مختلف نیست که با وجود تأثیر بر یکدیگر، گویی در زمین‌های متفاوتی در حال انجام هستند.

در مسابقات ورزشی که به شکل رودررو صورت می‌گیرد، دو وضعیت را شاهدیم؛ یا مسابقه به صورت حذفی است یا دوره‌ای. از این منظر، جنگ‌های کلاسیک بی‌شباهت به مسابقات حذفی نبودند. ارتش‌های دو کشور با هم نبرد می‌کردند و یکی پیروز می‌شد و دیگری شکست می‌خورد و پس از پایان نبرد، یا یکی از دو کشور نابود و از صفحه روزگار حذف می‌شد (مانند آنچه برای پروس در پایان جنگ جهانی اول رخ داد یا یوگسلاوی که از دل جنگ جهانی دوم زاده شد و با جنگ بالکان کلا از صفحه روزگار حذف شد) یا براساس یک معاهده، مانند قرارداد ترکمانچای که کشور پیروز (روسیه) بر ایران دیکته کرد که فقط همین که ایران توانست شهرهایی مانند تبریز را که در جنگ از دست داده بود، در مذاکرات پس بگیرد، با آنکه در نگاهی عامیانه، آن قرارداد یک شکست بود اما در واقعیت به بزرگ‌ترین پیروزی دیپلماسی ایران تبدیل شد. در جنگ حاضر نیز ترامپ با ذهنیت جنگ کلاسیک به ایران حمله کرد؛ درست مانند یک مسابقه حذفی که نتیجه بازی در تک‌مسابقه رودررو معلوم می‌شود و برای همین است که بارها از شکست ایران می‌گوید و تسلیم بی‌قیدوشرط کشورمان و تکان‌دادن پرچم سفید را طلب می‌کند. در مقابل، ایران این جنگ را شبیه یک مسابقه دوره‌ای می‌بیند که در پایان لیگ باید به جدول مسابقات نگاه کرد. مسابقاتی که پیروزی و شکست دو تیم در مقابل هم، الزاما به معنای قهرمانی لیگ نیست و از طرفی، در پایان مسابقات، حتی دوم‌شدن برای تیمی که پر از فوق‌ستاره است، می‌تواند به معنای شکست باشد و برای تیم دیگر، همین که به دسته پایین‌تر سقوط نکند، یعنی پیروزی؛ چه برسد به اینکه در پایان لیگ در میانه‌های جدول باشد یا اینکه خود را به جمع تیم‌های بالای جدول برساند و سال بعد در لیگ قهرمانان بازی کند.

حالا آنچه در مجموع دیده و می‌بینیم، چیست؟ در بازی رودررو، آمریکا-اسرائیل به ایران ضربه‌هایی زدند و رهبر انقلاب را به شهادت رساندند. در مقابل، ایران به ۱۶ پایگاه آمریکا در منطقه ضربات سختی وارد کرد و طبق گزارش رسانه‌ها ۲۲۸ هدف مهم در این پایگاه‌ها را نابود کرد. غیر از این، اهداف بسیاری را در اسرائیل مورد حمله قرار داد. به اینها اضافه کنیم مراکزی در کشورهای هم‌پیمان آمریکا در منطقه و حمله آمریکا-اسرائیل به گروه‌های هم‌پیمان ایران. تا اینجا، این یک مسابقه رودررو بود، اما بعد از آن، بازی به شکل دوره‌ای ادامه پیدا کرد و ایران زمین بازی را به دریا کشاند، یعنی همان‌جا که عرصه قدرت نظامی آمریکا در این ۸۰ سال بوده است.

اینجاست که جنگ شبیه همان تماشای مسابقه هم‌زمان در دو زمین مختلف می‌شود؛ در خلیج فارس و در دریای عمان، دو زمین بازی جدا از هم. زمینی که ایران انتخاب کرد، تنگه هرمز و خلیج فارس بود که از طرفی دبیرکل سازمان بین‌المللی دریانوردی گفته «در حال حاضر، حدود ۲۰ هزار خدمه و حدود هزارو ۵۰۰ کشتی در آب‌های خلیج فارس گرفتار شده‌اند که حمل‌ونقل دریایی بیش از ۸۰ درصد از کالاهای مصرفی جهان را حمل می‌کند» و عملیات ۴۸ساعته آمریکا برای تغییر این وضعیت به شکست انجامید و ترامپ نتوانست زمین بازی ایران را به هم بزند و از سوی دیگر، محاصره دریایی ایران که زمین بازی آمریکا در دریای عمان است و همین عملیات ناکام آزادسازی، به ایران فرصت داد تا حوزه استحفاظی تنگه هرمز را در دریای عمان و تا آن سوی بندر فجیره گسترش دهد و حتی اعتراض کشورهای عربی به بی‌عملی آمریکا در مورد همین گسترش تا آن سوی بندر فجیره و اتفاقاتی که هفته پیش برای امارات افتاد و آمریکا را ناچار کرد تا پنجشنبه‌شب عملیات دیگری انجام دهد نیز نتیجه‌بخش نشد و در نهایت وقتی تصاویر ماهواره‌ای یک آتش‌سوزی را در نزدیکی سواحل عمان و در محل همان مسیر امن ادعایی ترامپ ثبت کرد، حاکی از این بود که تقابلی که حالا از زمین و آسمان ایران به دریا کشیده شده و در دو زمین بازی مختلف خلیج فارس و تنگه هرمز از سویی و دریای عمان از طرف دیگر، به‌گونه‌ای پیش می‌رود که تا اینجا ایران توانسته بازی آمریکا در دریای عمان را به چالش بکشد، ولی دو تلاشی که آمریکا برای اثرگذاری بر زمین بازی دریایی ایران انجام داده، بی‌اثر بوده است.

در نهایت ترامپ با سه ضرب‌الاجل روبه‌رو است: اولی سفر به چین که او را بی‌تاب کرده تا از هیبت یک شکست‌خورده جنگ بیرون بیاید و برای همین طرح بازکردن تنگه هرمز را به راه انداخت که بی‌ثمر بود و حالا مدام فشار می‌آورد تا در همین یک هفته توافق‌نامه‌ای با ایران امضا کند که فعلا بی‌نتیجه بوده است. ضرب‌الاجل دوم، بازی‌های جام جهانی است که وضعیت نفت و گرانی بنزین، آن را از فرصتی برای ترامپ جهت بزرگ‌نمایی خود، احتمالا به یک بحران دیگر تبدیل می‌کند و ضرب‌الاجل سوم، انتخابات میان‌دوره‌ای که حالا دارد به بحران کل حزب جمهوری‌خواه تبدیل می‌شود. ترامپ امیدوار است فشار اقتصادی بر ایران با محاصره دریایی، حداکثری شود و نارضایتی داخلی کشورمان را تصاعدی کند و دی‌ماه دیگری فرا برسد. ایران نیز امیدوار است که سه ضرب‌الاجل پیش‌رو، ترامپ را به دادن امتیازات لازم برای توافق ناچار کند و برای این اتفاق، زمین بازی خلیج فارس و همچنین امارات به‌عنوان عامل تفرقه‌ساز در بین کشورهای عربی را همچنان فعال نگه دارد.

از بعثت «مردم» تا بعثت «جمهوری اسلامی»

ادامه از صفحه اول

همان‌گونه که ذکر آن رفت، کشور در دهه‌های اخیر از فاز بهره‌برداری به فاز فرسایش منابع طبیعی وارد شده و ناترازی‌های جدی در حوزه آب، انرژی و سرمایه‌های زیست‌محیطی شکل گرفته است. در چنین شرایطی، توسعه بدون لحاظ ملاحظات محیط‌زیستی نه‌تنها پایدار نخواهد بود، بلکه خود به تشدید بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی منجر خواهد شد. از این‌رو در نسخه جدید، محیط زیست باید از یک موضوع حاشیه‌ای به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری تبدیل شود و ملاحظات آن در همه تصمیمات کلان اقتصادی، صنعتی و عمرانی لحاظ شود. این امر مستلزم اصلاح الگوی مصرف، بازنگری در ساختارهای تولید، تقویت حکمرانی منابع طبیعی و ایجاد سازوکارهای هماهنگ میان دستگاه‌های مختلف برای مدیریت پایدار سرزمین است. تنها از این طریق است که می‌توان دست سودجویانی را که با غارت منابع طبیعی کشور برای خود ثروت اندوخته‌اند، کوتاه کرد.

ششمین و آخرین ملاحظه مهم در طراحی نسخه جدید از حکمرانی به ضرورت گذار از رویکردها و سازوکارهای توسعه‌زدا از امنیت و مبتنی بر ایجاد بازدارندگی سخت به رویکردهای توسعه‌زای امنیت و مبتنی بر ایجاد بازدارندگی نرم است. تجربه دوره فعلی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، این دو حوزه در تقابل با یکدیگر تعریف شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که در اغلب موارد ملاحظات امنیتی بر الزامات توسعه‌ای غلبه یافته و امنیت‌محوری نه سبب بازدارندگی متخاصمان، بلکه سبب بازدارندگی امر توسعه شده است. در شرایط پساجنگ که مفهوم امنیت برای مردم به نوع دیگری فهم خواهد شد، تداوم این دوگانگی بی‌معنا بوده و می‌تواند فرصت خوبی برای یک تحول درونی در تلازم میان مفهوم امنیت و توسعه باشد.

شکست حزب کارگر به رهبری کی‌یر استارمر، زلزله‌ای بی‌سابقه در ساختار سیاسی لندن آفرید

پایان نظام دوحزبی در بریتانیا

شرق: پیروزی چشمگیر حزب راست‌گرای ریفورم در انتخابات محلی بریتانیا، دولت چپ‌گرای کی‌یر استارمر را در مسیر یک شکست تاریخی قرار داد. این تحول بی‌سابقه که محصول بحران‌های اقتصادی، مرزهای رهاشده و پیامدهای جنگ در خاورمیانه است، زنگ پایان نظام دوحزبی در لندن را به صدا درآورد.

حزب ضد مهاجرت «ریفورم» به رهبری نایجل فاراژ، معمار برگزیت، با تصاحب صدها کرسی شوراها در سراسر بریتانیا، یکی از بزرگ‌ترین تغییرات ساختار سیاسی بریتانیا در یک قرن گذشته را رقم زد. فاراژ با وعده مهار مهاجرت، کنارگذاشتن سیاست‌های پرهزینه انرژی سبز و قطع هزینه‌های بی‌فایده دولتی، توانست رأی‌دهندگان طبقه کارگر و متوسط را جذب کند. پیام ضد تشکیلات او در روزهایی که دستمزدهای واقعی دچار رکود هستند و مهاجرت غیرقانونی به بالاترین سطح تاریخی خود نزدیک شده است، خشم عمومی از احزاب سنتی کارگر و محافظه‌کار را به صندوق‌های رأی سرازیر کرد. فاراژ روز گذشته با چهره‌ای خندان این نتایج را یک تغییر تاریخی واقعی در سیاست بریتانیا خواند و وعده داد که بهترین‌ها هنوز در راه است.

این رأی‌گیری که به‌طور معمول یک تمرین انتخاباتی پیش‌پاافتاده برای انتخاب اعضای شوراهای محلی است، اکنون به آزمونی حیاتی برای بقای کی‌یر استارمر در پلاک ۱۰ داونینگ‌استریت تبدیل شده است. کی‌یر استارمر روز گذشته اعتراف کرد که این نتایج به او آسیب زده است، اما گفت که از سمت خود کناره‌گیری نخواهد کرد و وعده داد که به مبارزه ادامه می‌دهد. این دادستان پیشین که اکنون یکی از نامحبوب‌ترین رهبران تاریخ مدرن بریتانیا محسوب می‌شود، با وجود پیشرفت‌های محدود در کاهش تورم و زمان انتظار بیماران در مراکز درمانی، از سوی هم‌حزبی‌های چپ‌گرای خود تحت فشار فزاینده‌ای قرار دارد. قانون‌گذاران بی‌قرار حزب کارگر نگران هستند که فقدان کاریزما و ناتوانی او در رشد اقتصاد، به قیمت ازدست‌رفتن کرسی‌های آنها در انتخابات عمومی سال ۲۰۲۹ تمام شود.

مشکلات دولت حاکم با خیزش حزب سبز که بهترین نتایج تاریخ خود را در انتخابات محلی ثبت کرد، پیچیده‌تر شده است. هم‌زمان پایگاه رأی مسلمانان که پیش از این به‌صورت سنتی از حزب کارگر حمایت می‌کردند، اکنون فروپاشیده و آنها آرای خود را به سبد نامزدهایی می‌ریزند که حامی جریان‌های افراطی هستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ۷۰ درصد از مردم بریتانیا عملکرد کی‌یر استارمر را به‌عنوان رهبر کشور بسیار ضعیف ارزیابی می‌کنند. در هفته‌های اخیر، هزینه‌های استقراض دولت بریتانیا نیز افزایش یافته است؛ زیرا سرمایه‌گذاران به‌شدت نگران هستند که یک جانشین چپ‌گراتر برای تأمین مالی خدمات عمومی، کشور را در باتلاق بدهی‌های سنگین‌تر غرق کند.

سقوط پایگاه‌های سنتی در اسکاتلند و ولز

با این همه، برکناری رهبر حزب کارگر فرایندی بسیار پیچیده است و به رقیبی با حمایت ۲۰ درصد از قانون‌گذاران این حزب نیاز دارد تا بتواند وارد میدان شود. پس از آن، اعضای حزب و اتحادیه‌های کارگری برای انتخاب فرد پیروز رأی‌گیری می‌کنند. اندی برنهام، شهردار منچستر که گزینه اصلی برای جانشینی کی‌یر استارمر به شمار می‌رود، عضو پارلمان نیست و به همین دلیل نمی‌تواند در این رقابت شرکت کند. اعضای کابینه روز جمعه پس از مشخص‌شدن شکست دولت، در مصاحبه با رسانه‌ها از رهبر خود دفاع کردند و معتقد بودند که اکنون زمان مناسبی برای آغاز فرایند یافتن یک نخست‌وزیر جدید نیست. از حدود پنج هزار کرسی شوراها که به رأی گذاشته شد، حزب کارگر دوهزارو ۱۹۶ کرسی را در اختیار داشت، اما تا اواسط روز جمعه در مسیر از دست دادن هزارو ۲۰۰ کرسی از این تعداد قرار گرفت.

انتظار می‌رود حزب حاکم بدترین نتیجه تاریخ خود را در ولز که به‌طور معمول یک سنگر سنتی برای چپ‌گرایان محسوب می‌شود، تجربه کند. در اسکاتلند نیز حزب کارگر در خطر سقوط به جایگاه سوم و قرارگرفتن پشت سر حزب ملی اسکاتلند در انتخابات مجمع ملی ادینبرو قرار دارد. در این میان، حزب ریفورم که به‌صورت سنتی یک حزب ملی‌گرای انگلیسی است، شانس قرارگرفتن در جایگاه دوم در اسکاتلند را پیدا کرده است. صعود خیره‌کننده حزب ریفورم، اجماع سیاسی یک قرن گذشته بریتانیا را که در آن همواره محافظه‌کاران یا حزب کارگر پیروز مطلق انتخابات بودند، در هم شکسته است. این نخستین بار در صد سال گذشته است که حزبی غیر از این دو جریان اصلی، برای یک سال تمام در صدر نظرسنجی‌ها پیشتازی می‌کند.

بریتانیا در هفت سال گذشته پنج نخست‌وزیر را در رأس قدرت تجربه کرده است، اما هیچ رهبری نتوانسته بیماری‌های اقتصادی این کشور را که با پیامدهای خروج از اتحادیه اروپا و استقراض‌های بی‌رویه در دوران همه‌گیری کووید تشدید شده، درمان کند. جف وستون، شهروند ۵۸ساله‌ای که پس از ناتوانی شورای محلی در پاکسازی مواد شیمیایی در جنوب انگلستان به حزب نایجل فاراژ رأی داد، می‌گوید حزب ریفورم همان ضربه محکمی است که دو حزب اصلی به آن نیاز دارند. کی‌یر استارمر در سال ۲۰۲۴ با وعده ترمیم اقتصاد، کاهش مهاجرت غیرقانونی و کوتاه‌کردن صف‌های بیمارستانی وارد دفتر نخست‌وزیری شد. اما روند بهبود به دلیل پیرشدن جمعیت، هزینه‌های بالای استقراض و بی‌میلی او برای اتخاذ تصمیمات سخت، بسیار کند پیش می‌رود.

تاوان مماشات در برابر بحران مرزها

دوران زمامداری کی‌یر استارمر با عقب‌نشینی‌های پیاپی در مسائل کلان و خرد، از صدور کارت‌های شناسایی ملی تا مالیات بر ارث کشاورزان، گره خورده است. دولت حزب کارگر برای پوشش هزینه‌های فزاینده عمومی، مالیات‌ها را افزایش داد، اما نخست‌وزیر از رویارویی با چالش‌های دشوار فرار کرد و پس از یک شورش کوچک از سوی قانون‌گذاران چپ‌گرا، برنامه‌های مهار هزینه‌های رفاهی را کنار گذاشت. این مقاومت در برابر کاهش هزینه‌های زائد، به معنای محروم‌شدن بخش‌های حیاتی مانند توسعه توان دفاعی از سرمایه‌گذاری معنادار است. هم‌زمان، پیامدهای جنگ در ایران جوانه‌های رشد اقتصادی را خشکانده و با افزایش هزینه‌های استقراض دولتی، چشم‌انداز مالیات‌های سنگین‌تر را پررنگ کرده است. صندوق بین‌المللی پول تأیید کرده است که اقتصاد بریتانیا به‌عنوان یک واردکننده خالص مواد غذایی و انرژی، بیشترین آسیب را در میان اقتصادهای بزرگ از تبعات جنگ ایران متحمل خواهد شد.

دولت حاکم همچنین در مقابله با بزرگ‌ترین برگ برنده حزب ریفورم یعنی «خارج‌شدن کنترل مرزها از دست دولت» به‌شدت ناکام مانده است. آمار ورود قایق‌های کوچک حامل مهاجران غیرقانونی از فرانسه در سال ۲۰۲۵ دومین رکورد تاریخی خود را ثبت کرد. در مقابل، مهاجرت قانونی به دلیل سخت‌گیری‌های دولت پس از پذیرش تعداد بی‌سابقه مهاجران در دولت پیشین محافظه‌کار، با کاهش چشمگیری روبه‌رو شد و از یک میلیون نفر در ۱۲ ماه منتهی به ژوئن ۲۰۲۳ به ۲۰۴ هزار نفر در بازه مشابه سال ۲۰۲۵ سقوط کرد. پل رندل، مهندس الکترونیک ۶۶ساله ساکن حومه لندن، نمونه‌ای روشن از چرخش سیاسی طبقه کارگر بریتانیاست. او که پس از دهه‌ها حمایت از سوسیالیست‌ها، در سال ۲۰۱۰ به محافظه‌کاران و اکنون به حزب ریفورم رأی داده، مهاجرت بی‌ضابطه را مشکل اصلی می‌داند. رندل می‌گوید بریتانیا جزیره‌ای کوچک است که نمی‌تواند این حجم از مهاجرانی را که هیچ سهمی در توسعه کشور ندارند، تحمل کند.

دادگاه نظامی پکن ۲ نظامی ارشد را محکوم کرد

اعدام تعلیقی برای وزرای دفاع چین

شرق: دادگاه نظامی در پکن دو وزیر دفاع پیشین چین را به اتهام فساد به اعدام تعلیقی محکوم کرد. این احکام بی‌سابقه که در جریان تصفیه گسترده فرماندهان ارتش صادر شد، پرده از بحران عمیق وفاداری در ساختار قدرت حکومت پکن برمی‌دارد.

دادگاه نظامی چین احکام اعدام تعلیقی را برای «وی فنگه» و «لی شانگفو» به اتهام فساد مالی صادر کرد. شینهوا، خبرگزاری رسمی حکومت چین تأیید کرد «وی فنگه» به دلیل دریافت رشوه و «لی شانگفو» به اتهام دریافت و پرداخت رشوه مجرم شناخته شده‌اند. این احکام سنگین نزدیک به دو سال پس از آن صادر می‌شود که پکن این ژنرال‌های ارشد را به دلیل سوءرفتار برکنار و روند دادگاه نظامی آنها را آغاز کرد. دادگاه برای هر دو نفر حکم اعدام با دو سال تعلیق در نظر گرفته است؛ مجازاتی که براساس رویه‌های قضائی چین، به احتمال فراوان به حبس ابد تقلیل خواهد یافت.

این احکام تعلیقی اعدام، سنگین‌ترین مجازاتی است که تاکنون علیه ژنرال‌های برکنارشده در دوران زمامداری شی جین‌پینگ اعمال می‌شود و از احکام حبس ابد پیشین برای فرماندهان سه‌ستاره فراتر می‌رود. همچنین این نخستین بار از سال ۲۰۱۵ است که چنین احکام شدیدی علیه افسران ارشد صادر می‌شود. شینهوا هیچ جزئیاتی درباره اتهامات دقیق این دو مقام یا نحوه دفاع آنها ارائه نداد. حزب کمونیست چین در زمان اعلام اخراج این دو نفر در سال ۲۰۲۴، جرائم آنها را «بسیار جدی، با پیامدهای فوق‌العاده وحشتناک و خسارات عظیم» توصیف کرده بود. در سیستم قضائی غیرشفاف پکن مشخص نیست آیا این دو مقام از حق داشتن وکیل برخوردار بوده‌اند یا خیر و هیچ امکانی برای تماس با آنها وجود ندارد.

«وی فنگه» از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ مسئولیت وزارت دفاع را بر عهده داشت و پس از او «لی شانگفو» فقط برای هفت ماه این سمت را در اختیار گرفت و سپس به شکلی ناگهانی برکنار شد. در ساختار سیاسی چین، وزیر دفاع بیشتر مسئولیت دیپلماسی نظامی را بر عهده دارد و فرماندهی مستقیم عملیات‌های رزمی در حیطه وظایف او نیست. با این حال، هر دو مقام عضو کمیسیون مرکزی نظامی حزب کمونیست بودند؛ شورایی تحت ریاست شی جین‌پینگ که کنترل کامل نیروهای مسلح را در اختیار دارد. «وی فنگه» در سال ۲۰۲۲ این کمیسیون را ترک کرد و صندلی او به «لی شانگفو» واگذار شد.

این دو مقام ارشد فقط بخشی از ده‌ها افسر عالی‌رتبه‌ای هستند که در سه سال گذشته با ادعای مبارزه با فساد و عدم وفاداری، از کار برکنار شده‌اند. این سرکوب گسترده با سرعت و وسعتی در نیروهای مسلح جریان دارد که از دوران تاریک مائو تسه تونگ تاکنون بی‌سابقه بوده است. روند تصفیه‌ها در ماه ژانویه امسال به نقطه اوج خود رسید؛ زمانی که ژنرال ژانگ یوشیا، عالی‌ترین معاون نظامی رهبر چین، به اتهام سوءرفتار تحت بازجویی قرار گرفت. اکنون در کمیسیون مرکزی نظامی، فقط یک افسر یونیفرم‌پوش تحت فرمان شی جین‌پینگ فعالیت می‌کند، در حالی که در آغاز دوره فعلی در سال ۲۰۲۲، شش افسر ارشد در این نهاد حضور داشتند.

با وجود این تصفیه‌های گسترده، ارتش چین تحرکات عملیاتی خود را حفظ کرده و مانورهای مکرر و پیچیده‌ای را در نزدیکی تایوان انجام می‌دهد؛ جزیره دموکراتیک و خودمختاری که پکن آن را بخشی از قلمرو خود می‌داند. با وجود این، تحلیلگران دفاعی معتقدند این سرکوب‌ها پرسش‌های جدی درباره میزان آمادگی رزمی و روحیه حاکم بر این ارتش دو میلیون نفری ایجاد کرده است. شی جین‌پینگ از زمان رسیدن به قدرت در سال ۲۰۱۲، از حربه پاکسازی ضدفساد برای تثبیت کنترل خود و پیشبرد برنامه‌های نوسازی ارتشی بهره برده که از زمان جنگ سال ۱۹۷۹ با ویتنام، هیچ جنگ تمام‌عیاری را تجربه نکرده است.

گزارش

اولتیماتوم ترامپ به اتحادیه اروپا

رئیس‌جمهور ایالات متحده پس از تماس تلفنی با اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، اعلام کرد اتحادیه اروپا تا چهارم جولای فرصت دارد توافق تجاری خود با ایالات متحده را به‌طور کامل اجرایی کند، در غیر این صورت با «تعرفه‌های بسیار بالاتر» روبه‌رو خواهد شد. این بیانیه که در بحبوحه تنش‌های فزاینده میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده منتشر شده است، تهدید هفته گذشته ترامپ مبنی بر افزایش تعرفه خودروهای ساخت اروپا از ۱۵ به ۲۵ درصد را به تعویق می‌اندازد.

رئیس جمهوری آمریکا در رسانه اجتماعی خود، تروث‌سوشال نوشت: «من با صبوری منتظر ماندم تا اتحادیه اروپا سهم خود را از توافق تجاری تاریخی که در ترنبری اسکاتلند بر سر آن توافق کردیم، بزرگ‌ترین توافق تجاری تاریخ، ایفا کند. وعده داده شده بود که اتحادیه اروپا سهم خود را انجام داده و طبق توافق، تعرفه‌های خود را به صفر برساند».

او با اشاره به روز استقلال ایالات متحده (چهارم جولای) گفت: «من موافقت کردم تا ۲۵۰امین سالگرد تولد کشورمان به اورزولا فون در لاین فرصت بدهم، در غیر این صورت متأسفانه تعرفه‌های آنها بلافاصله به سطوح بسیار بالاتری جهش خواهد کرد».

طبق توافق نابرابری که تابستان گذشته حاصل شد، اتحادیه اروپا متعهد شد تعرفه‌های باقی‌مانده بر کالاهای آمریکایی را حذف کند. در مقابل، ایالات متحده با تعرفه فراگیر ۱۵درصدی بر بیشتر محصولات اتحادیه اروپا موافقت کرد که مانع از انباشت عوارض اضافی می‌شد.

در حال حاضر پارلمان اروپا و کشورهای عضو در حال مذاکره روی قانونی هستند که حذف این تعرفه‌ها را ممکن می‌کند. دور مذاکرات چهارشنبه‌شب شکست خورد، اما قانون‌گذاران از پیشرفت به سمت قطع‌نامه احتمالی در ۱۹ می استقبال کردند. نقطه اصلی اختلاف، تقاضای قانون‌گذاران برای گنجاندن «بندهای حفاظتی» است؛ این بندها برای زمانی در نظر گرفته شده که ترامپ تعهدات مشترک را نقض یا تمامیت ارضی بلوک را تهدید کند؛ مشابه کاری که اوایل امسال با تهدید به تصرف اجباری گرینلند از دانمارک انجام داد.

کشورهای عضو ترجیح می‌دهند به متن اصلی پایبند بمانند که شامل هیچ‌گونه بند حفاظتی نبود و توافق را هرچه سریع‌تر اجرائی کنند.

اما تهدید دونالد ترامپ به افزایش تعرفه‌ها از ۱۵ به ۲۵ درصد، منتقدان توافق را جسورتر کرده است؛ کسانی که معتقدند رئیس‌جمهوری آمریکا دیر یا زود از مواضع خود عقب‌نشینی کرده و امتیازات بیشتری از اروپایی‌ها مطالبه خواهد کرد. کاخ سفید بارها به مقررات دیجیتال و زیست‌محیطی این بلوک حمله کرده و آشکارا خواستار لغو آنها شده است.

www.sharghdaily.ir

آگهی مناقصه و ارزیابی کیفی
نوبت اول

وزارت نیرو
شرکت آبفا فارس

شماره آگهی مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۵۰۰۵۶۶۹۰۰۰۰۱۱
نوع فراخوان : ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای
شرکت آبفا استان فارس در نظر دارد از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک مرحله ای نسبت به انتخاب پیمانکاران واجد شرایط با رتبه حداقل ۵ در رشته آب جهت پروژه عملیات احداث مخزن بتنی ۲۰۰ متر مکعبی پروژه لشکون شهرستان لامرد
۱)**محل پروژه :** شهرستان لامرد
۲)**مدت اجرا ء پروژه :** ۶ ماه
۳) **مبلغ برآورد :** ۲۵،۵۶۴،۰۵۱،۸۷۳ ریال
۴)**محل اخذ اسناد :** سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir
۵)**تاریخ نهایی اخذ اسناد:** ۱۴۰۵/۰۲/۲۴
۶)**تاریخ نهایی قبول پیشنهادات:** ۱۴۰۵/۰۳/۱۰
۷)**تاریخ کمیسیون بازگشایی پاکات مناقصه :** ۱۴۰۵/۰۳/۱۱
۸) به پیشنهادهای فاقد امضاء ،مشروط،مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرردر مناقصه ارائه شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۹)**مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۱،۲۷۹،۰۰۰،۰۰۰ ریال . .
شماره شبا جهت اخذ ضمانتنامه
IR ۰۸۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۳۲۰۷۱۴۵۴۷۶ شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۷۱۴۲۹
۱۰) قیمت اسناد ۲۰۰۰۰۰۰ (ریال) به حساب ۰۱۱۱۹۳۰۰۳۲۰۰۸ بانک صادرات به شناسه پرداخت ۱۳۱۳۲۹۹۰۰۱۴۰۰۵بنام شرکت آب و فاضلاب استان فارس که حتما از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام پذیرد.
(۱۱) اعتبارات طرح از محل تملک دارائیهای سرمایه ای می باشد.
(۱۲) **نوع تضمین شرکت در مناقصه:**ضمانت نامه بانکی (شرکت در فرآیند ارجاع کار) در وجه شرکت آب و فاضلاب استان فارس.(سه ماه اعتبار)
(۱۳)سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسنادمناقصه درج شده است.
(۱۴) هزینه درج دو تا سه نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به عهده برنده مناقصه می باشد .
(۱۵) این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir ثبت گردیده فقط پاکاتی قابل قبول و بازگشایی است که شرکت کننده (مناقصه گر) کلیه مدارک را در سامانه بارگذاری و پیشنهاد قیمت را ارائه نموده باشد، پاکت الف شامل ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار بایستی قبل از اتمام ساعت تحویل اسناد در سامانه تدارکات دولت تحویل دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان فارس به آدرس زیر گردد.
آدرس : شیراز – میدان مطهری – بلوار شهید قدوسی غربی- شرکت آب و فاضلاب استان فارس
تلفن :۵-۳۸۴۳۵۱۵۲ نمابر : ۳۸۴۳۵۱۶۶
وب سایت جهت باز بینی آگهی مناقصه www.abfa-fars.ir می باشد.
شناسه : ۲۱۷۱۶۸۶
تاریخ آگهی نوبت اول ۱۴۰۵/۰۲/۱۹
نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۲/۲۱
شرکت آبفا استان فارس
۱۰۰۶